



توافق جامع هسته‌ای و تحولات یک سال اخیر

منیر سادات میر نظامی*

اشاره:

۱۴ جولای ۲۰۱۵ جمهوری اسلامی ایران و ۵+۱ به توافق جامع هسته‌ای دست یافتند و بر این اساس، اجرای تعهداتی را در برابر دریافت امتیازاتی پذیرفتند. پس از گذشت یک سال، زمان مناسبی برای ارزیابی و بررسی تأثیرات این توافق بر منافع و امنیت هر دو طرف فرا رسیده است. در این نوشتار به چند مورد از تحلیل‌های مؤسسات و اندیشکده‌های آمریکایی در این باره پرداخته می‌شود.

وضعیت توافق هسته‌ای

دیان هفرنان^۴ در تحلیل خود با عنوان «یک سال پس از توافق هسته‌ای با ایران»، بر جام را برای ایران یک توافق و برای گروه ۵+۱ اعطای یک امتیاز انحصاری به ایران معرفی می‌کند. طبق ارزیابی هفرنان، توافق جامع هسته‌ای به صورتی است که ایران ذخایر اورانیوم غنی شده را کاهش داده و در مقابل، ساترفیوژهایش را حفظ کرده است. ایران نیروگاه‌های هسته‌ای خود را منحل نمی‌کند؛ تحریم‌ها برداشته شده و ایران میلیاردها دلار ذخایر بلوکه شده خود را پس می‌گیرد؛ ایران می‌تواند دسترسی بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به پایگاه‌های نظامی خود را رد کند و یا دسترسی به پایگاه‌های شناخته شده هسته‌ای را به تأخیر بیناندازد؛ تحریم تسلیحاتی کمتر از ۵ سال برداشته خواهد شد؛ تحریم‌های موشک‌های بالستیک ایران ظرف هشت سال یا کمتر

مقدمه

در سال‌گرد امضای توافق جامع هسته‌ای میان ۵+۱ و جمهوری اسلامی ایران، مؤسسات و نهادهای پژوهشی ایالات متحده مجموعه گزارش‌ها و تحلیل‌هایی را در ارتباط با بررسی ابعاد تأثیرات این توافق بر منافع آمریکا در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای منتشر کردند. گزارش‌ها و تحلیل‌های مورد بررسی در این نوشتار شامل تحلیل‌های مؤسسه سیاست‌خاور نزدیک واشنگتن^۱، فارین پالیسی^۲ و امریکن تینکر^۳ می‌شود. هر یک از تحلیل‌ها شامل توضیحی در ارتباط با وضعیت فعلی اجرایی شدن برجام، پیامدهای این توافق برای آینده خاورمیانه و منافع ایالات متحده و توصیه‌هایی به دولت آمریکاست.

1. The Washington Institute for Near East Policy
2. Foreign Policy
3. American Thinker
4. Deanne Heffernan



تخفیف تحریم‌هاست. تانتر معتقد است لحن ضعیف در قطعنامه ۲۲۳۱ (۲۰۱۵) مسئله‌ساز شده، زیرا این قطعنامه و توافق هسته‌ای طیف کامل برنامه موشک‌های بالستیک را بر نمی‌شمرد. همچنین، تانتر انعطاف دولت اواما در مقابل ایران در حوزه آزمایش موشک‌های بالستیک را نیز ناشی از بی‌درایتی آن می‌داند. در واقع، تحلیل تانتر این است که در قطعنامه ۲۲۳۱ زبان منع جای خود را به زبان سازش داد و از ایران خواسته شد از فعالیتی که مرتبط با طراحی موشک‌های بالستیک برای حمل کلاهک هسته‌ای است، خودداری کند و بدین ترتیب، مفرّ بزرگی را برای ایران مهیا نموده تا ایران موشک‌های میان‌برد و بلندبرد خود را بدون نگرانی از واکنش شورای امنیت گسترش دهد.

پیامدها و آینده توافق

تانتر معتقد است حاصل معامله نابرابر ایالات متحده با ایران افزایش حمایت ایران از تروریسم و پاسخگو نبودن آن در برابر نقض توافق هسته‌ای است. به نظر تانتر، ایران می‌تواند ذخایر به دست آمده از رفع تحریم‌ها را صرف گسترش نفوذ خود، بی‌ثباتی منطقه و همسایگانش و افزایش قدرت متحدان خود در منطقه نماید. این در حالی است که به گفته او دولت اواما بدون توجه به تداوم رفتار ایران در حمایت از تروریسم به کاهش و تخفیف تحریم‌ها ادامه می‌دهد و پس از به نتیجه رسیدن توافق هسته‌ای و به رغم حمایت ایران از تروریسم، چندین فرصت را برای خنثی و به عقب‌بردن تلاش‌های موفقیت‌آمیز ایران برای رفع تحریم‌ها و بازگشایی ارتباط مالی‌اش با جامعه بین‌الملل از دست داده است.

متیو لویت^۲ همچون تانتر در تحلیل خود با عنوان «حمایت ایران از تروریسم در زمان اجرای برجام»، حاصل برجام را چیزی جدای از انتظارات و برآوردها می‌داند. به نظر او، مقامات آمریکا پس از توافق نتوانستند ایران را به رغم رفع تحریم‌ها مسئول نگه دارند و در نتیجه، موضع ایران نیز تهاجمی‌تر شد. لویت نقش ایران را در منطقه شام، خلیج فارس و فراتر از خاورمیانه، بسیار

2. Matthew Levitt

منقضی می‌شود؛ غرب به ایران کمک خواهد کرد تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز خود را گسترش دهد؛ غرب ایران را برای مقابله و رفع تهدیدات علیه برنامه هسته‌ای خود کمک و راهنمایی و دولت فدرال آمریکا مقامات محلی و ایالتی را به تجارت با ایران تشویق می‌نماید؛ ضمن آنکه تحریم‌های افراد و سازمان‌های مرتبط با برنامه هسته‌ای رفع خواهد شد. هفرنان معتقد است در مقابل امتیازاتی که ایران در این توافق به دست آورده، ایالات متحده آمریکا هیچ چیز به دست نیاورده است، زیرا ایران هنوز هم قادر است در مدت زمان کوتاهی به تسلیحات هسته‌ای دست یابد و همچنین پس از توافق بر خلاف انتظار جامعه بین‌الملل به حمایتش از تروریسم، ضدیت با آمریکا و اسرائیل، نقض حقوق بشر، تخطی از حقوق بین‌الملل و دیگر اقدامات خصمانه‌اش ادامه می‌دهد.

هفرنان اقداماتی را برمی‌شمرد که ایران پس از توافق انجام داده، اما به رغم آن توافق پابرجا مانده است. اقداماتی که هفرنان نام می‌برد شامل پاکسازی سایت نظامی - هسته‌ای پارچین قبل از بازرسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و کشف آلودگی‌های مربوط به گذشته در این سایت، برگزاری سالگرد اشغال سفارت آمریکا در ایران در ۴ نوامبر ۲۰۱۵ و سردادن شعار مرگ بر آمریکا، دستگیری ملوانان نیروی دریایی آمریکا، نقض ممنوعیت سفر افراد مورد تحریم با سفر فرمانده نیروهای قدس ایران به روسیه برای ملاقات با پوتین، نهایی شدن فروش سیستم‌های دفاع موشکی اس ۳۰۰ به ایران از سوی روسیه، نگاه‌داشتن دو شهروند آمریکایی در زندان و مخفی نگاه‌داشتن موقعیت رابرت لوینسون است.

ریموند تانتر^۱ در نوشته خود با عنوان «توافق ایران در یک‌سالگی خود: کارکردهای منطقه‌ای، هسته‌ای و اقتصادی»، توافق هسته‌ای با ایران را تجارت ساده‌ای می‌داند که از محدود نمودن توانایی‌های هسته‌ای ایران در قبال رفع تحریم‌های اقتصادی غرب تشکیل شده است. به نظر او، مشکل این توافق در جزئیاتی مانند نقش موشک‌ها و یا تأثیر حمایت دولت ایران از تروریسم بر

1. Raymond Tanter



نخواهد شد. به گفته راس، این بدان معناست که زمان گریز ایران تا ۲۰۳۰ به صفر خواهد رسید و این در حالی است که نیاز به تقویت بازدارندگی از سوی ایران کاهش نمی‌یابد. به همین دلیل، راس پاسخ‌های ایالات متحده در مورد نقض برجام از سوی ایران را ناکافی می‌داند. به نظر او، تهران تا کنون چندین بار برجام را نقض نموده است؛ مانند نقض قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت از طریق آزمایش موشک‌های بالستیک، انتقال تسلیحات متعارف و شکستن محدودیت‌های سفرهای بین‌المللی. از نظر راس، دولت اواما برای به چالش کشیدن تهران یا بالابردن هزینه‌های رفتارهایش دچار تردید است. در این راستا راس دو توصیه دارد: نخست، در جواب به ادعای ایران مبنی بر این که این کشور منافع کامل اقتصادی را از برجام نبرده، دولت باید به طور فعال شرکت‌های خارجی را قانع کند که برای تجارت با ایران آزاد هستند، زیرا این ترس وجود دارد که دولت روحانی و عمل‌گرایان از جانب تدروها بر سر منافع اقتصادی برجام لطمه بخورند. با این حال یکی از دلایل اصلی کندی منافع اقتصادی این است که بانک‌های ایران هنوز نیازمند اصلاحاتی برای مطابقت با معیارهای بین‌المللی انتقال پول هستند. دوم، گزارشات جدید از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اشاره دارد که ایران هماهنگ با برجام است، اما سطح اطلاعاتی که ارائه نموده‌اند بسیار کم‌تر از آن چیزی است که در گزارشات پیشین آژانس در مورد برنامه هسته‌ای ایران ارائه شده است. آمانو با پذیرش این مسئله اشاره داشته که در چارچوب قطعنامه ۲۲۳۱ نیازمند اطلاعات کم‌تری بوده‌اند. احتمال می‌رود اعضای ۵+۱ همه اطلاعات مورد نیاز را دریافت کرده‌اند و یا شاید آن‌ها موافق احترام به حساسیت‌های ایران نسبت به حفظ اطلاعات در خارج از رصد عموم هستند.

جیمز اف. جفری^۲ در یادداشت خود تحت عنوان «تأثیر منطقه‌ای برجام: افول اعتماد نسبت به نقش توازن‌بخش آمریکا» خاورمیانه را به خاطر برجام ناامن‌تر از سال پیش ارزیابی می‌کند. به نظر جفری، مسئله اصلی

پررنگ ارزیابی می‌کند و ردپای ایران را در پرتاب چهار راکت به اسرائیل در آگوست ۲۰۱۵، حمایت از گروه نظامی الصابرین در نوار غزه، حمایت از حزب‌الله لبنان و شیعیان بحرین و کویت، طراحی حملات علیه مواضع اسرائیل در نایروبی و حمایت از طالبان بسیار مشهود می‌داند.

دنيس راس^۱ در تحلیل خود تحت عنوان «حفظ برجام به معنای ارسال نشانه‌های بازدارندگی به ایران است»، به بررسی تأثیرات برجام بر توان بازدارندگی ایران می‌پردازد. به نظر او، اگر برجام به طور کامل اجرایی شود تا ۱۵ سال آینده مسیر ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای بسته می‌شود. بدین ترتیب که در طول این مدت، حداکثر سطح غنی‌سازی به ۳/۶۷ درصد از ایزوتوپ‌های شکاف‌پذیر یو-۲۳۵ محدود شده و ایران نمی‌تواند بیش از ۳۰۰ کیلوگرم ماده غنی‌شده یا هر نوع توانایی بازفراوری داشته باشد، اما راس تأکید دارد که همچنان امکان برنامه تولید مخفیانه با کل ذخایر تحت راستی‌آزمایی وجود دارد و این محدودیت‌ها نه تنها چنین برنامه‌ای را به طور کامل ملغی نمی‌کند، بلکه احتمال خطر پاسخ بالقوه سختی را از سوی تهران افزایش می‌دهد. از این جهت به نظر راس، دستیابی ایران به بمب هسته‌ای به رژیم راستی‌آزمایی آمریکا وابسته نیست و بیشتر مشروط به امکان فریب خوردن آمریکا از ایران است. در نتیجه، به نظر او، ضروری است به دلیل امتیازاتی که برجام به ایران داده، ایران هزینه بالای نقض برجام را درک کند. راس این امتیازات را این‌گونه می‌داند: ۱. پس از ۱۵ سال محدودیتی برای حجم صنعت هسته‌ای ایران یا تعداد و کیفیت سانتریفیوژهای تولیدی وجود ندارد. ۲. پس از ده سال، ایران می‌تواند پنج مدل پیشرفته سانتریفیوژ نصب و عملیاتی کند. ۳. در حالی که خروجی این مدل‌های پیشرفته تا ۱۵ سال محدود شده، ایران قادر به گسترش تولید مواد غنی‌شده خواهد بود. ۴. پس از ۱۵ سال، ایران از تولید اورانیوم با غلظت بالا و حتی سلاح‌هایی حاوی درجه‌ای از اورانیوم منع

1. Dennis Ross

2. James F. Jeffrey



در یمن حمایت کرد و تهران را به دلیل آزمایش موشک در حوزه سازوکارهای اجرایی شدن برجام تحریم کرد. با این حال، جفری معتقد است، واشنگتن در بازداشتن ایران از دستگیری ملوانان نیروی دریایی خود در ژانویه شکست خورد و به رغم تعهداتش نسبت به دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس فروش هواپیما به کویت، بحرین و قطر را متوقف کرده است. موارد دیگر از قصور ایالات متحده از دید جفری، مخالفت و واکنش ضعیف آمریکا به تقویت موقعیت ایران در لبنان و مهم‌تر از آن به اتحاد ایران- روسیه در سوریه بر خلاف تعهدات واشنگتن نسبت به جبهه ضد دولت سوریه است. به طور خلاصه، جفری تأکید دارد تعبیر دولت‌های منطقه از سیاست آمریکا در قبال ایران این است که تهران در نمایش‌های چندجانبه‌ای ظاهر شده بدون آن که واشنگتن آن را به بیرون هدایت کند. او نتیجه می‌گیرد در غیاب کاخ سفیدی که مایل به رهبری در خط مقدم باشد، بازیگران منطقه‌ای به طور انفرادی عمل می‌کنند.

پاتریک کلاوسون^۱ به تحلیل تأثیرات و پیامدهای اقتصادی برجام در نوشته خود تحت عنوان «تغییرات نسبتاً کم در وضعیت اقتصادی ایران پس از برجام» می‌پردازد. کلاوسون وضعیت اقتصادی ایران را پس از انقلاب اسلامی، در مقایسه با دیگر پادشاهی‌های عربی و با توجه به تحریم‌های اعمال‌شده بررسی می‌کند. به نظر او، در حدود یک دهه گذشته ایران پیشرفت‌هایی در زمینه متنوع‌سازی ساختن اقتصادش جدای از فروش نفت کرده و شعار اقتصاد مقاومتی رهبر ایران تا حدی در حال اجرا شدن است، به گونه‌ای که در پایان سال ۱۳۹۴ واردات ایران ۴۱/۵ میلیارد دلار و صادرات مواد غیرخام ۴۲/۳ میلیارد دلار برآورد شده است. کلاوسون معتقد است اگر تنوع‌سازی دستاوردی مهم برای اقتصاد ایران است، پس انداز، مسئله واقعی آن است. او سقوط قیمت نفت، باندبازی در حوزه اقتصادی، جایگاه سپاه پاسداران در اقتصاد ایران، موانع بر سر راه تجدید ارتباط با نظام مالی بین‌الملل و ناتوانی در جذب سرمایه‌گذاری‌های

برجام در خاورمیانه برخلاف ویژگی‌های برجام، تصور دولت‌های منطقه است که معتقدند تأثیرات سیاسی برجام ایران را به سوی موقعیت هژمونی در منطقه تشویق و حتی توان‌تر می‌سازد. جفری معتقد است قدرت‌های منطقه‌ای این واقعیت را تشخیص می‌دهند و به صور مختلف مانند مخالفت کامل از سوی عربستان، رویکردهای ترکیبی ترکیه و دیگر کشورهای خلیج فارس و همراهی عراق و عمان به آن پاسخ داده‌اند. در نتیجه، از دیدگاه جفری بار توازن بخشی در منطقه بر دوش واشنگتن قرار دارد.

جفری برداشت‌های دولت‌های منطقه را ناشی از دو نتیجه قابل پیش‌بینی توافق می‌داند. اول، توافق ابزارهایی همچون دیپلماسی و پول را به ایران برای بالابردن وزنش در منطقه بخشید. دوم، دولت اوپاما ناامید از موفقیت دیپلماتیک در جای دیگر، آن‌قدر در جریان توافق به ایران امتیاز داد که نه تنها آن را به چالش نکشید بلکه از آن بدتر توافق را لحظه تحول در روابط با تهران قلمداد کرد. جفری بر این نکته تأکید دارد که هشدارهایی بابت اقدامات بی‌ثبات‌کننده ایران به دولت اوپاما داده شد و حتی در نشست شورای همکاری خلیج فارس و آمریکا، مقامات ایالات متحده اعلام کردند ملاحظاتی را درک می‌کنند و به آن‌ها توجه دارند و توافق هسته‌ای را تنها یک بسته تبادل‌ات هسته‌ای می‌دانند و نه تحول در رابطه با ایران؛ اما طبق برآورد جفری، اقدامات و اظهار نظر مقامات دولت اوپاما بر خلاف این سخنان است. جفری به این سخن اوپاما در مصاحبه با آتلانتیک استناد می‌کند که اعلام کرد عربستان باید یاد بگیرد خاورمیانه را با ایران سهیم شود. جفری پاسخ‌های دولت اوپاما به بحران‌هایی که ایران پس از برجام به وجود آورده را متفاوت و آن را در رفع نگرانی دولت‌های منطقه بی‌تأثیر می‌داند. جفری نمونه‌هایی از واکنش درست نسبت به ایران را نیز برمی‌شمرد. به نظر او، در عراق، دولت بعد از اواسط سال ۲۰۱۵ نیروی بیشتری برای بیرون‌راندن داعش به کار برد و نقش شبه‌نظامیان شیعه تحت حمایت ایران را کاهش داد. هم‌چنین ایالات متحده از اقدامات شورای همکاری



خارجی را از دیگر مسائل جدی اقتصاد ایران پس از اجرایی شدن برجام می‌داند. بر این اساس، در حالی که اروپاییان مشتاق و خوش‌بین به تجدید روابط اقتصادی با ایران هستند، ایرانیان نسبت به پیامدهای مثبت برجام برای اقتصاد ایران بدبین‌اند.

توصیه‌ها

توصیه تحلیل‌گران، جدای از تحلیل وضعیت توافق هسته‌ای و پیامدهای آن نیست. به طور کلی تمامی تحلیل‌های بیان‌شده اتخاذ موضع سرسختانه و منتقدانه را به دولت اوپاما و دولت بعدی توصیه می‌کنند. هفتران و لویت به طور خلاصه و کلی معتقدند ایالات متحده باید سیاستی را در پیش گیرد که موجب توقف رفتار غیرقابل قبول ایران در منطقه و نسبت به ایالات متحده شود.

تانترو و راس در ارائه تجویزات خود، رئیس‌جمهور بعدی را مورد خطاب قرار می‌دهند. به نظر تانترو، رئیس‌جمهور می‌تواند با شرکایش برای مقابله با تحریکات ایران همکاری کند. این همکاری می‌تواند شامل جلوگیری از کشتیرانی نظامی غیرقانونی و تحریم تروریست‌ها از طریق تحریم رژیم ایران باشد. همچنین نیاز است اختلاف در توافق هسته‌ای بر سر تنبیه ایران در صورت نقض مفاد توافق حل شود و مصوبات کنگره نیز می‌تواند ضعف‌های توافق هسته‌ای با ایران را جبران نماید.

به نظر دنیس راس دولت بعدی در حالی که منافع کوتاه‌مدت توافق را تقویت می‌نماید، نیاز به سیاست اعلامی قوی‌تری دارد. راس بر این نکته تأکید دارد که از نظر دولت اوپاما، توافق تمامی راه‌های ایران برای دست‌یابی به سلاح هسته‌ای را می‌بندد در حالی که مخالفان، توافق را راهی برای بدل و بخشش می‌دانند که تحریم‌ها علیه ایران را رفع کرده و تأسیسات هسته‌ای قابل توجهی را برای ایران باقی‌گذاشته است. بر این اساس، توصیه‌های سیاست‌گذاری راس این است که اگر تهران به همین منوال رفتار کند، دولت بعدی نیاز به انجام چیزی بیش از تکرار اراده‌اش برای اجرای تعهدات آمریکا

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد تحلیل‌های مورد بررسی به طور مشترک نسبت به تأثیرات برجام بر منافع ملی آمریکا دیدگاهی بدبینانه دارند. فرضیه این تحلیل‌ها آن است که بر مبنای توافق جامع هسته‌ای، امتیازاتی به ایران واگذار شده که موجب تشدید رویکرد تهاجمی ایران در خاورمیانه شده است که به همراه رویکرد منعطف دولت اوپاما در قبال رفتارهای ایران، ناامنی را در خاورمیانه شدت می‌بخشد. توصیه‌های تحلیل‌گران نیز متوجه اتخاذ سیاست سختگیرانه و منتقدانه دولت ایالات متحده نسبت به ایران است. نکته مهم در این تحلیل‌ها، توصیه‌های صورت گرفته به دولت بعدی ایالات متحده است. این توصیه‌ها نشان می‌دهد ایران باید آمادگی مواجهه با شرایط سخت و چالش‌برانگیز رئیس‌جمهور بعدی آمریکا را داشته باشد، زیرا به نظر می‌رسد فشارها و انتقادات مخالفان برجام دولت بعدی آمریکا را به سمت اتخاذ سیاستی سختگیرانه‌تر سوق دهد.

